

# متن عرفانی، ترجمه طنز نگاهی به ترجمه التحصین ابن فهد حلی

خلوت‌گزینی یا التحصین؛ علی نریمانی؛ قم: ذی القربی، ۱۳۸۸.

مرحوم آیت‌الله شیرازی در دفاع از او چنین نوشته است:

این عالم بزرگ مردی پارسا و متقی بود و به همین جهت از طرف یکی از نویسندگان تهمت تمایل به تصوف به اوزده شد و دیگران هم بدون تحقیق از او پیروی کردند، ولی تعجب اینجاست که همه اینها نفهمیده‌اند صوفیگری چیزی است و زهد و ورع چیز دیگر. وقتی انسان کتاب‌های این مرد بزرگ را مورد مطالعه قرار می‌دهد، می‌بیند به هیچ وجه بوی تصوف از آن استشمام نمی‌شود، چه رسد به اینکه چیزی از تصوف در آن باشد، انسان در کتاب‌های این عالم بزرگوار دو چیز را مشاهده می‌کند که قرآن مجید و روایات اسلامی به آن دستور می‌دهند و آن دو چیز عبارت است از زهد و فضیلت و این دو صفت در بیشتر علمای ما در هر زمان و مکان دیده شده و این هم پیروی از روش پیامبران عظام و امامان عالی‌مقام است.

... خلاصه در میان آنچه که خود نویسنده از کتب ابن فهد مطالعه کرده و در میان آنچه از کتب او نقل کرده‌اند، مطلبی و جمله‌ای جز اینکه یا کاملاً مطابق قرآن و روایات صحیح اسلامی باشد نیافتیم و قبلاً هم یادآور شدیم که نسبت ناروای میل به تصوف تنها از یک نفر نقل شده و آنچه مسلم است

۲. از دیگر نویسندگانی که از ابن فهد حلی دفاع کرده‌اند، می‌توان از علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه (ج ۳، ص ۱۴۷) نام برد و همچنین شیخ یوسف کرکوش حلی در کتاب تاریخ الحله (ج ۲، ص ۹۵-۹۷). این نویسنده مزار ابن فهد را در شهر حله محله جبران معرفی کرده و مزار مشهور به ابن فهد را در کربلای معلی متعلق به احمد بن فهد احسائی دانسته است.

چکیده: کتاب التحصین و صفات العارفین از ابن فهد حلی در موضوع خلوت‌گزینی و گوشه‌نشینی است. نویسنده در نوشتار حاضر در راستای نقد یکی از ترجمه‌های این اثر، ابتدا اشاره‌ای مختصر به ساختار کتاب و ترجمه‌های آن دارد. در ادامه، یکی از ترجمه‌های کتاب مذکور را با عنوان «خلوت‌گزینی یا التحصین» که توسط علی نریمانی و انتشارات ذوالقربی در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است را در بوته نقد و بررسی قرار می‌دهد. وی در راستای این هدف، نخست عباراتی از متن کتاب را نقل و سپس، ترجمه متن را بیان و ترجمه صحیح آن را همراه توضیحی در این زمینه، متذکر می‌شود. کلیدواژه: التحصین و صفات العارفین، ابن فهد حلی، خلوت‌گزینی یا التحصین، نقد ترجمه.

کتاب التحصین و صفات العارفین اثر جمال‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد حلی (۷۵۷-۸۴۲ ق) در موضوع خلوت‌گزینی و گوشه‌نشینی است. ابن فهد در این کتاب خوگردن به تنهایی و بیگانگی از مردم را تنها راه سعادت می‌داند. او نشست و برخاست با افراد جامعه را که بیشتر آنها در غفلت بسر می‌برند، مایه تباهی و گمراهی برمی‌شمارد و تا بدان جا پیش می‌رود که با نقل احادیثی مردم روزگار آخرالزمان را از ازدواج و داشتن فرزند و عیال و خانمان برحذر می‌دارد. با چنین اندیشه‌هایی است که برخی از بزرگان مانند شیخ یوسف بحرانی (صاحب حدائق) به ابن فهد حلی نسبت تمایل به تصوف داده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. «... و اما الشیخ احمد بن فهد فهو الشیخ جمال‌الدین ابوالعباس احمد بن فهد الحلی الأسدی فاضل فقیه مجتهد زاهد عابد ورع نقی تقی ألا انّ له میلًا الی الصوفیة بل تفوه به فی بعض مصنفاته» [لؤلؤئی البحرین ص ۱۵۵-۱۵۶].

«... الشیخ جمال‌الدین ابوالعباس احمد بن شمس‌الدین محمد بن فهد الحلی الأسدی الفاضل العالم العلامة الفقیامة الثقة الجلیل الزاهد العابد الورع العظیم القدر المعروف بابن فهد وله قدس سزه میل الی مذهب الصوفیة وتفوه به فی بعض مؤلفاته...» [کشکول بحرانی ج ۱ ص ۳۰۵-۳۰۴].

اسمعیل، تصحیح شیخ محمود بروجردی، در هامش مکارم الاخلاق طبرسی.

- چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۴، وزیری، [خط میرزا عبدالکریم شیرازی، کاتب صفحه عنوان: محمد الدرجزینی] به اهتمام حاج ابراهیم طباطبایی و اسدالله بن محمد حسین یزدی هراتی، ۴۷۲ ص، در هامش مبدأ و معاد ملاصدرا.

- موسسه الامام المهدي (عليه السلام) در شهر قم این کتاب را در سلسله مصادر بحار الانوار در سال ۱۴۰۶ ق در ۳۲ صفحه وزیری همراه با کتاب مثیر الاحزان ابن نما حلی به طبع رسانده است. در این چاپ از دو نسخه چاپ شده پیشین و متن کتاب بحار الانوار و برخی نسخ خطی (بدون مشخصات نسخه‌ها) استفاده شده است. این چاپ دارای فهرستی از موضوع و شمار احادیث و اعلام و روایات احادیث است.

- در سال ۱۳۷۷ نیز بر اساس سه نسخه کتابخانه گوهرشاد «۱۱۵۷» و دو نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی «۶۱۲۳» و «۳۴۵۹» به تصحیح آقای سیدعلی جبار گلباغی ماسوله منتشر شده و به فارسی نیز ترجمه شده است. این چاپ از سوی انتشارات لاهیجی در ۵۵ صفحه رقعی به طبع رسیده است. در مقدمه این اثر زندگینامه مبسوط نویسنده نیز به نگارش درآمده است.

قدیمی‌ترین نسخه این کتاب همراه با دیگر مجموعه رسائل ابن فهد در کتابخانه دانشگاه لس آنجلس آمریکا نگهداری می‌شود و تصویری از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است.<sup>۶</sup> تاریخ کتابت این نسخه پنج‌شنبه ۲۶ شوال ۸۱۱ و به خط نسخ عبدالحمود بن محمد بن علی حسینی است. این نسخه سی سال پیش از وفات مولف نوشته شده و از او با دعاهای «ادام الله ایامه» و «ادام الله فضائله» یاد شده است. در مقدمه این اثر وقف‌نامه‌ای نوشته شده که حاکی از آن است که این نسخه در شمار کتب فقیه بزرگ عصر صفوی؛ سیدمحمدباقر پیشنماز بوده و به مسجد جدید عباسی اصفهان وقف شده است و اکنون در دانشگاه کالیفرنیا نگهداری می‌شود.

از کتاب التحصین شش ترجمه در دست است که عبارتند از:

۱. ترجمه‌ای از مترجمی ناشناخته از عالمان قرن یازدهم که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۶۰۵/۵ نگهداری می‌شود. آغاز و انجام این نسخه افتادگی دارد و تاریخ کتابت آن ۲۷ ربیع الثانی ۱۰۷۹ است.<sup>۷</sup>

۲. ترجمه شیخ محمدصادق بن محمدعلی تویسرکانی که تاریخ

اینکه این مطلب را افراد حسود انتشار داده‌اند و آن عالم بدون تحقیق و بدون مدرک این نسبت را به ابن فهد داده‌اند. . . .<sup>۳</sup>

مقدمه این کتاب شامل عنوان و ساختار کتاب است. سپس متن در سه قطب سامان یافته است.

نخست: تعریف و فلسفه و ویژگی‌های خلوت‌گزین شناسانده می‌شود.

دوم: در این قطب هفده روایت در ادله جواز خلوت‌گزینی آمده است. نویسندگان در آغاز کتاب بر آن است تا روایات درباره خلوت‌گزینی بی‌شمار بوده و آنچه که در خاطر دارد این هفده روایت است.

قطب سوم: به فواید خلوت‌گزینی با استفاده از روایات اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص یافته است. در این فصل شانزده فایده برشمرده و در پایان شماری از صفات اولیای خدا شرح داده است.

خاتمه این اثر به احادیثی در موضوع نکوهش دنیا اختصاص یافته است.

یکی از ویژگی‌های کتاب التحصین چنان‌که مؤلف در مقدمه نگاشته خذف سلسله اسناد احادیث است. روشن نیست طرق حدیثی مؤلف چه کسانی بوده و چه منبع مکتوبی را در اختیار داشته‌اند. هر چند بسیاری از روایات و مضامین آن، در کتاب‌های حدیثی یافت می‌شود و از مفاهیم بلند عرفان اسلامی و ایرانی سرچشمه می‌گیرد. برای نمونه ترجمه فرازی از این کتاب چنین است: «اهل کاروان در بیابان راه را گم کردند، به صومعه‌ای رسیدند که در آن عارفی به عبادت مشغول بود. از او پرسیدند: راه از کدام طرف است؟ عارف با سر آسمان را نشان داد. منظور او را دریافتند».

ابن فهد بخشی از کتاب «زهد النبی (ص)» یا «المنبیء عن زهد النبی» دانشمند بزرگ شیعه ابن رازی، معاصر شیخ صدوق را که در شمار کتاب‌های مفقوده است در التحصین آورده<sup>۴</sup> و همچنین شماری از روایات را از کتاب نزهة الناظر یا مجموعه وزام اثرا بی الحسین وزام بن ابی الفراس (۶۰۵ ق) برگرفته است. وی همچنین به سخنانی از بزرگان صوفیه نیز استناد کرده است و چنان‌که در متن نیز نام برده از کتاب کشف الغمہ فی معرفة الائمة اثر شیخ بهاءالدین علی بن عیسی اربلی (۶۹۳ م) نیز بهره برده است.

گزارش فهرست مشار<sup>۵</sup> درباره چاپ کتاب التحصین چنین است:

- چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۴، وزیری، ۲۷۳ ص، خط سیدمرتضی و آقا

۳. ابن فهد حلی، سیدمحمد شیرازی؛ ترجمه علی کاظمی؛ ج ۱، قم: انتشارات امام صادق (علیه السلام) ۱۳۷۹، ص ۲۰-۲۴.

۴. الذریعه، ج ۱۲، ص ۶۶.

۵. فهرست کتابهای چاپی عربی، (تهران، ۱۳۴۴) ص ۱۶۷.

۶. فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۲۴۹.

۷. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۲۰۱.

سیر بسوی خدا، ازدواج و عصر حاضر، پزشکی گیاهی، راز دلتواز در شرح گلشن راز، رؤیت خدا، منظومه فی الادیان، منظومه فی الاصول، فشرده‌ای از قواعد منطق، تفسیر اشراق، عشق از دیدگاه ملاصدراو. اما با این حال ایشان از ترجمه یک حدیث در خود فرومانده است.

یادآوری می‌شود که تصحیح این کتاب همان متن چاپ موسسه الامام المهدی (علیه السلام) است البته با غلط‌های تایپی فراوان و افتادگی‌های متن که در مجالی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

عباراتی از ترجمه این کتاب همراه با ترجمه صحیح آن در ادامه می‌آید.

**متن کتاب:** بل لا یجد الانسان مع هذه الرذائل نفسه اقبالا علی الحق فضلا عن اقبال الحق علیه بل ینفرو وظائف الخدمه ویستنکرها بل ربما یسمع قارئاً أو داعیا فاستوخمه و احب سکوته کما یستوخم العین الرمده ضوء الشمس (ص ۲۳)

انسان با چنین رذائلی در نفس خود توجهی به خداوند نمی‌یابد، چه رسد به آنکه خداوند به او توجهی کند، بلکه انسان از انجام امور و وظایف بندگی سرباز می‌زند و بیزار می‌شود. چه بسا صدای کسی که قرآن تلاوت می‌کند و یا دعا می‌خواند برای او ناگوار می‌شود و سکوت او را می‌خواهد.

**ترجمه متن:** و انسان با وجود این صفات ناپسند رو به سوی حق ندارد، چه رسد به اینکه حق رو به سوی او آرد. و در حقیقت خداوند از چنین بندگانی تنفر داشته و آنان را بنده و عبد خود نمی‌داند. چه بسا صدایی شنیده شود و یا کسی از او آوازی می‌طلبد، اما او از شنیدن صدای آن شخص در زحمت است و بلکه دوست دارد او سکوت کند تا صدایش را نشنود. همچنان که چشم‌های تار از روشنایی خورشید وحشت دارند.

**توضیح:** مترجم در این فراز، فاعل نفرت انسان از توجه به خداوند را به خداوند نسبت داده و معنای کلمه قاری و داعی را ندانسته است.

**متن کتاب:** الثاني ان ییاس من شیء و یانس بالله سبحانه کما سیجعی فی صفاتهم حتی قال قائلهم:

عوی ذئب فستانست بالذئب اذا عوی \* وصوت انسان فکدت ان اطیر (ص ۲۶)

[از ویژگی‌های خلوت‌گزین] دوم: از همه چیز ناامید شود و به خداوند امیدوار شود، چنان‌که در صفات آنها خواهد آمد، شاعری از ایشان سروده است:

هنگامی که از صدای گرگی آمد و آن انس گرفتم / و هنگامی که صدای آدمی آمد نزدیک بود از ترس جان دهم

پایان ترجمه آن جمعه ۱۱ ربیع الاول ۱۰۴۳ است. این اثر آیت الله سید محمدعلی روضاتی در کتابخانه شخصی خود معرفی کرده است.<sup>۸</sup>

۳. ترجمه شیخ محمدباقر ساعدی خراسانی که آن را در تاریخ ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۸۱ ق در مشهد مقدس به پایان رسانده و به نام «هدایة السایرین الی ترجمه التحصین» نامیده است. این ترجمه در همان سال در مشهد به طبع رسیده است، چاپ دوم این کتاب نیز در سال ۱۳۸۸ ش در کتاب «بردالیقین، مجموعه هفده رساله عرفانی» منتشر شده است.<sup>۹</sup>

۴. ترجمه همراه با تصحیح به قلم سیدعلی جبار گلباغی ماسوله که در سال ۱۳۷۷ ش از سوی انتشارات لاهیجی قم به چاپ رسیده است.

ترجمه علامه حیدرقلیخان سردار کابلی که مرحوم کیوان سمیعی در کتاب زندگانی سردار کابلی آن را معرفی کرده است.<sup>۱۰</sup>

و این ترجمه که نقد آن خواهد آمد، در قم از سوی انتشارات ذوالقربی در سال ۱۳۸۸ روانه بازار شده است. چنان‌که بر جلد کتاب دیده می‌شود، نام کتاب «خلوت‌گزینی یا التحصین» با ترجمه و تحقیق و شرح آقای علی نریمانی است. آنچه در این کتاب آمده، ترجمه‌ای است که به بازخوانی آن می‌پردازیم. گفتنی است عبارت «تحقیق» و «شرح» بر جلد برای بازاریابی و فروش بیشتر کتاب درج شده است.

چنین ترجمه‌هایی از چند نظر قابل بررسی است. نخست اینکه با افزایش تألیف کتاب‌های کشف و کرامات و بازار پرسود آنها، شماری از افراد سودجو جویای نام به ترجمه متون عرفانی و فلسفی نیز دست برده‌اند و این مسئله آسیبی جدی برای میراث مکتوب است.

چنین است که بیشتر کتاب‌هایی که در قم به چاپ می‌رسد از دروازه این شهر بیرون نمی‌رود از سوی دیگر از چنین مترجمان و نویسندگان بی‌پروا به ساحت دانش و اندیشه می‌تازند و به چیزی جز نام نمی‌اندیشند. وجود این‌گونه افراد شاید در عرصه سیاست و مدیریت و فرهنگ قابل تحمل باشد، ولی عرصه قلم و ساحت پاک آن آلودگی را برنمی‌تابد. درنگی در این نوع آثار واژگونی برنامه‌های فرهنگی و علمی را در یک حوزه علمی به خوبی ترسیم می‌کند. برای نمونه: مترجم این اثر که فهرستی از چهل عنوان تألیفات خود را در پایان این کتاب نگاشته، چنین آثاری را قلم زده است: زن برترین پدیده در عرفان، مراحل سیر عرفانی، شرح فصوص الحکم (۱۵ جلد)، دورنمای فصوص، شعر بدیع، تحقیق و تعلیق بر مثنوی، خلاصه فصوص، سیر و سلوک معنوی،

۸. روضاتی، سیدمحمدعلی؛ تکملة الذریعة الی تصانیف الشیعة، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۷ و تکملة طبقات اعلام الشیعة، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۰.

۹. بردالیقین، مجموعه هفده رساله عرفانی، قم: آیت اشراق، ۱۳۸۸، ص ۳۴۹-۳۹۵.

۱۰. زندگانی سردار کابلی، کیوان سمیعی (تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۳)، ص ۱۲۲.

ترجمه شود بالای قلّه کوه (رک به: فرهنگ درست نویسی سخن؛ حسن انوری و یوسف عالی عباس آباد، چ ۱، تهران: سخن، ۱۳۸۵، ص ۲۶۲. متن کتاب: ألا اخبرکم بشر الناس منزلة؟ الذی یسال بالله فلا یعطی به (ص ۳۱)

آیا می خواهید مردم را از بدترین جایگاه آگاه سازم؟ آن کسی است که سائل او را به خداوند سوگند می دهد و او چیزی به سائل نمی دهد.

ترجمه: ... او کسی است که با سوگند به خدا از کسی چیزی را می خواهد و به او داده نمی شود.

توضیح: این حدیث شریف که در منابع شیعی و اهل سنت آمده است، در نکوهش ردّ سائل و بی احترامی به نام خداوند است. توجیه معنای مترجم، برای سائلی است که مستحق نباشد.

متن کتاب: قال لی أبو عبد الله لا علیک ان لا یعرفک الناس ثلاثا یا عبد الحمید ان لله رسلا مشتغلین ورسلا مستخفین فإذا سألته بحق المشتغلین فاسأله بحق المستخفین (ص ۲۶)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: بر تو تکلیفی نیست اگر مردم تو را نشناسند، برای خداوند فرستادگانی است آشکار و نهان. اگر خداوند را برای فرستادگان ظاهرش می خوانی، به فرستادگان پنهانش نیز بخوان.

ترجمه: امام صادق (علیه السلام) به من سه مرتبه فرمودند: ای عبد الحمید بر تو سزاوار نیست که مردم را شناسی، برای خداوند فرستادگانی است که برای انجام رسالتش به کار گماشته شده اند و نیز برای او فرستادگانی است که بدون اینکه صاحب رسالت باشند و از طرف خداوند انتخاب شده باشند، از خدا بیمناک هستند، پس اگر خدا را به حق گماشتگان بخوانی، من او را به حق ترساندگان می خوانم.

توضیح: مترجم خفا را به خوف خوانده و همچنین فعل امر اسئل را به مضارع متکلم وحده ترجمه کرده است و چنین اشتباهی رخ داده است.

متن کتاب: قال الله تبارک ان اغبط اولیائی عندی رجل خفیف ذو حظ من صلاة احسن عباده ربه الغیب وکان غامضا فی الناس جعل رزقه کفافا فصبر حتی مات فقل تراثه وقلت بواکيه (ص ۳۳).

سعادت مندترین اولیای من نزد من مردی است که بیمناک است، پس واگذاری ارث آنان کم و ماندگاری های آنان اندک است.

ترجمه: خداوند تبارک و تعالی فرمود: سعادت مندترین اولیای من نزد من مرد سبکباری است؛ چون بمیرد میراث او اندک است و گریه کنندگان بر او نیز کم است.

ترجمه متن: دیگر اینکه از همه چیز مایوس شود و انس با خدای سبحان گیرد و همان گونه که در آینده در صفات آنان خواهد آمد که جویری فریاد بکشند که گرگان ناله برمی کشند و وقتی آنان ناله و فریاد می کنند، انسان با ناله آنان انس پیدا می کند و وطنین پرواز صدای انسان بیشتر است.

توضیح: مترجم در این بخش شعر را نیز همراه با متن ترجمه کرده و صدای گرگ را نیز از صفات عارفان دانسته است. یادآوری می شود که این بیت از سروده های احیمر سعدی (۱۷۰ق) است. او از راهزنان بی رحم و مشهور بوده و این شعر را در روزگار پنهان شدن در بیابان و ترس از مأموران حاکم بصره سروده است. فرار او از مردم و خلوت گزینی و انس او با حیوانات ارتباطی با عرفان ندارد.

۳. متن کتاب: الثالث الهیبه بحیث لا یجرا الراغب فی الدنیان یدکرین یدیه شیئا منها فریما ثارت نفسه وانبعثت ارادته وانتعشت شهواته فیحتاج قسرها وتادیبها ومجاهدتها و فی ذلک شغل شاغل له (ص ۲۶)

[از ویژگی های خلوت گزین] هیبت و متانت و بزرگواری اوست تا دنیا طلبی در نزد او از دنیا سخن نگوید، چه بسا نفس عارف سرکشی کرده و خواسته او برانگیخته شود و میل او به جنبش درآید و او باز به سرکوب نفس و مبارزه با آن پردازد.

ترجمه متن: سوم هیبت عارفان است به طوری که دنیا طلبان، توان یادآوری چیزی از دنیا را پیش آنها ندارند. پس چه بسا از خود گذشته و ایشار کند و اظهار ارادت به او بنماید، اما گرایش هایی او را کور کرده باشد. پس او نیاز به ایجاد میل و گرایش و ادب کردن نفس و مبارزه با آن داشته باشد و در آن مشغولیتی است که او را مشغول کرده است.

توضیح: ترجمه چنان پیچیده و نادرست است که توضیحی نمی توان داد، جز اینکه ایشار در هر جا معنای خودگذشتگی نمی دهد تا شخص برای ارادت به یک دنیا طلب نیز ایشار داشته باشد.

متن کتاب: عن ابي جعفر (ع) ما یضرم من عرفه الله الحق أن یکون علی قلّه جبل یا کل من نبات الأرض حتی یجیئه الموت (ص ۳۰)

امام باقر (علیه السلام) فرمود: کسی که خداوند به او راه حق را نشان داده [یا شناسانده] است، ضرری نمی بیند اگر بر فراز کوهی باشد و از رویدنیهای آن بخورد تا مرگ او را دریابد.

ترجمه: امام باقر (علیه السلام) فرمود: کسی که خداوند را بشناسد، هیچ ضرری نمی بیند، اگر چه بالای قلّه کوه باشد.

توضیح: تعریف به معنی شناساندن است، نه شناختن و نکته دیگر اینکه اهل ادب گفته اند از واژه قلّه کوه استفاده نکنید. قلّه به معنای بالای کوه است و نیازی به آوردن کلمه کوه نیست، چه رسد به آنکه

اوصنی یا بن رسول قال (ع) اقلل معارفك قال زدنی قال انكر من عرفت منهم قال زدنی قال حسبك (ص ۳۶)

حضرت فرمودند: معارف خود را محدود بدان. حضرت فرمودند: هرچه از آنان به دست آوردی، انکار کن. باز گفت: مرا نصیحت کن.

ترجمه: معروف کرخی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: ای پسر رسول خدا مرا نصیحت کن؟ حضرت فرمود: آشنایان خود را کم کن. عرض کرد: بیشتر از این؟ فرمود: از آنها که می شناسی کناره بگیر.

توضیح: مترجم محترم معارف را به معنای مصطلح فارسی گرفته و واژه انکار هم ریشه با فعل نکر را انکار فهمیده است و فعل «زدنی» را «باز گفت» مرا نصیحت کن» ترجمه کرده است.

متن کتاب: قال الصادق (ع) عزت السلامه لقد خفی مطلبها فإن تكن فی شیء فیوشك ان تكون الخمول فإن طلبت فی الخمول فلم توجد فیوشك ان تكون الصمت فإن طلبت فی الصمت فلم توجد فیوشك ان تكون التخلی فإن طلبت فی التخلی ولم توجد فیوشك تكون فی كلام السلف الصالح والسعيد من وجد فی نفسه خلوه یشغل بها وذكره فی كشف الغمه عن سفیان الثوری

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قوی ترین سلامتی وقتی است که درخواست انسان مخفی باشد، پس اگر سلامتی در چیزی باشد، پس شک شود که آیا در این خلوت گزینی ات بدان در خلوت گزینی است. پس اگر آن را در خلوت جستجو کردی، اما نیافتی، پس شک شود که نکند در خاموشی باشد و باز اگر نیافتی، پس شک شود که نکند آن تخلیه باشد و تو در جستجوی آن در تخلیه رفتی و باز آن را نیافتی، پس شک شد در اینکه نکند آن سلامتی کمیاب در سخن سلف صالح باشد با سعادت کسی است که در نفس خود خلوتی بیابد که مشغول به آن خلوت شود.

ترجمه: سلامتی با ارزش و کمیاب است، چنان که دستیابی دور از دسترس است. امید است در گمنامی باشد. و اگر در آن به دست نیامد، احتمال می رود در سکوت باشد و اگر یافت نشد، در تنهایی ست و اگر در تنهایی نیز به دست نیامد، در سخنان گذشتگان صالح باشد و نیکبخت آنکه تنهایی را در خود بیابد و به آن پردازد.

توضیح: نویسنده عزت را به معنای قوی ترین و خلوت را به تخلیه و یوشک را به معنای شک کرد برگردانده است.

۱۲. متن کتاب: قال بعضهم اتيت منقطعاً فکانی رایتہ ینقبض فقلت له: کانک تکره ان توتی؟ قال اجل قلت فما استوحش؟ قال و کیف استوحش و هو یقول: انا جلیس من ذکرنی. (ص ۴۳)

توضیح: مترجم معنای فعل خفیف از (خف یخف) را به معنای خوف از (خاف یخوف) ترجمه کرده و ترجمه جمله پایانی را از قلم انداخته است.

متن کتاب: الحادی عشر عکرمه عن عبد الله بن عمرو قال بینا نحن حول رسول الله (ص) إذ ذکر الفتنه أو ذکرک عنده الفتنه فقال إذا رایت الناس مرجت عهدهم وحقرت امانتهم وکانوا هکذا وشبک بین اصابعه قال فقلت إلیه فقلت کیف افعول عند ذلک جعلنی الله فداک؟ قال: الزم بیتک وامسک علیک لسانک وخذ ما تعرف وذر ما تنکر وعلیک بامر خاصه نفسک وذر عنک العامه (ص ۲۶)

هنگامی که درباره فتنه سخن گفتند یا سخن از فتنه شد فرمودند: فتنه زمانی است که دیدی مردم به عهد و پیمانشان وفا نکنند و در به امانت خیانت کنند و به جان هم افتند. چنین کرد. انگستان در هم فرو برد. . . . در خانه بنشین و زیانت را نگهدار و به کارهای نیک پرداز و از منکرات بپرهیز. به کارهای مربوط به خود مشغول باش و از کارهای مربوط به دیگران خودداری کن.

ترجمه: ما گرداگرد رسول خدا حلقه زده بودیم. پس سخن از فتنه به میان آورد و یا سخن از فتنه به میان آورده شد. گوید: ایشان فرمودند: وقتی دیدی مردم از پیمان های خود دست برداشته و امانتداری را کوچک شمردند و این گونه بودند و چپق میان انگشتشان بود، پس عبدالله بن عمر گوید: من برخاستم و گفتم: فدای توشوم در یک چنین حالتی ما چه کنیم؟ فرمودند: لازم است در خانه خود بمانید و زبان خود را کنترل کنید و آنچه شناخته شده، گرفته و آنچه شناخته شده نیست، رها سازید. و بر شما باد اینکه به نفس خویش رسیدگی کرده و امر عمومی را از دوش خود رها سازید.

توضیح: در لغت نامه ها پس از شبک [معرب چپق]، کلمه شبک می آید، اشتباهی چنین بسیار عجیب است. مترجم معروف و منکر را به شناخته شده و شناخته نشده ترجمه کرده است. امر عام و خاص را به نفس خویش و امر عمومی برگردانده است.

۹. متن کتاب: أبی عبد الله قال ان مما یحتج الله تبارک وتعالی به عبده یوم القیامة ان یقول الم اخمل ذکرک (ص ۳۵)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: یکی از چیزهایی که خداوند در روز قیامت بر بنده اش استدلال و احتجاج می کند، این است که می گوید: آیا من در پنهان به یاد تو نبودم؟

ترجمه: امام صادق (علیه السلام) فرمود از جمله دلیل هایی که خداوند بر بنده اش می آورد، این است که می فرماید: آیا در دنیا تو را گمنام قرار ندادم.

متن کتاب: السادس عشر عن أبی عبد الله (ع) قال له المعروف الکرخی

الهدی واعلام السرى يفتح الله باب الرحمة ويرفع عنهم ضرالنقمة  
ليسوا بالمساييح وبالمذاييع البذر (ص ۵۲-۵۳)

دوره آخر الزمان زمانی است که سالم نمی ماند در آن روزگار، مگر مومنی که پنهان و مخفی باشد که اگر مشاهده شود، شناخته نمی شود و اگر مخفی و پنهان باشد، گم نشده است. آنان چراغ های هدایت و علامات کشتی نجاتند، و خداوند بر آنان باب رحمت گشوده و زبان انتقام خود را از آنان برداشته است. آنان نه جهادگرانند و نه فاش کنندگان تباه گر.

**ترجمه:** در دوره آخر الزمان جز افراد مؤمن گمنام سالم نمی ماند. اگر در میان مردم باشند، کسی آنان را نمی شناسد و اگر نباشند، کسی حال آنها را نمی پرسد. آنان چراغ های هدایت و نشانه های شرف و بزرگواری هستند. خداوند به خاطر آنان درهای رحمت را می گشاید و سختی عذاب را دور می کند. آنان سخن چین و نادان و بیهوده گوئی نیستند.

**توضیح:** چند عبارت پی در پی اشتباه ترجمه شده است؛ مانند اگر مخفی و پنهان گم شده است و زبان انتقام را از آنان برداشته است. همچنین متن عربی «کشتی نجات» پیدا نشد.

۱۶. متن کتاب قال النبى (ص) ان أحب العباد الله الأتقياء الأخفياء  
الذين إذا حضروا لم يعرفوا وإذا غابوا لم يفتقدوا وإذا خطبوا لم يزوجوا.

رسول خدا (ص) فرمودند: بهترین بندگان در نزد خدا باتقوایانی هستند که پنهانند، کسانی که اگر در بین مردم حضور پیدا کنند مردم آنان را نمی شناسند و وقتی از دیده مردم پنهانند آنان گم شدگان نیستند. اگر از آنان بخواهند ازدواج کنند آنان تن به ازدواج نمی دهند «این قسمت قابل بحث است که مراد رسول خدا چیست؟ زیرا خودشان مؤمنان را تشویق به ازدواج کرده و چگونه در اینجا عدم ازدواج را حسن دانسته اند.

**ترجمه:** بهترین بندگان نزد خداوند پرهیزگاران گمنام اند، آنان که تا هستند، شناخته نمی شوند و زمانی که نباشند، کس از حال آنها نمی پرسد و هنگامی که بخواهند ازدواج کنند، کسی با آنها وصلت نمی کند.

**توضیح:** مترجم متن را واژگون ترجمه کرده و با مقدمه ای اشتباه و ناتوان از درک مقصود ابن فهد، فرمایش حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) را قابل بحث دانسته است.

۱۷. متن کتاب: قال النبى الا أخبركم باهل الجنة قالوا بلى يا الله قال كل  
أشعث اغبرذى طمرين لا يؤبه به لو أقسم على الله لأبرقسه (ص ۵۴)

پیامبر (ص) فرمودند: می خواهید شما را از اهل بهشت باخبر سازم؟ گفتند: بله ای رسول خدا. حضرت فرمودند: هر ژولیده ای که غبار بردو گونه اش چنان نشسته که چهره اش را نتوان دید که اگر خدا را سوگند

بعضی از عارفان گفته اند: من از همه چیز بریدم، آن گاه دیدم دارند جانم را می گیرند، پس من به او گفتم گویی اینکه توشاد نیستی از اینکه به سراغ تو آیند و بگویند که این مرگ است؟ گفت چگونه به وحشت بیفتم در حالی که او می گوید من همنشین کسی هستم که او به یاد من است.

**ترجمه:** یکی از عارفان می گوید: فرد خلوت گزینی دیدم و به گفتم گویا از آمدن من ناخشنودی؟ جواب داد: بله. گفتم: چرا از مردم دوری گزیده ای؟ گفت: چگونه از مردم دور باشم که خداوند فرموده است «من همنشین آنم که مرا یاد کند.

**توضیح:** مترجم انقطاع [قطع از علاقه به دنیا] را به معنای مرگ ترجمه کرده است

۱۳. متن: فقلت: بل أقوم عنك، فأوصني بوصية ينفعني الله بها. فقال يا  
عبد الله اخف مكانك (ص ۴۴)

پس گفتم: من از پیش شما می روم. پس مرا نصیحتی کن که برایم مفید باشد. گفت ای بنده خدا محل زندگی ات را مخفی بدار.

**ترجمه:** پس مرا پندی ده که خداوند از آن بهره مند سازد. پس گفت: ای بنده خدا از جایگاهت بترس.

**توضیح:** آیا معنای خفاء (به معنای پوشیده، پنهان) خوف و ترس است؟ چرا باید عارف از مکان نشستن خود بترسد.

۱۴. متن کتاب: قيل لبعض العلماء لو تحركت فتذكر ذكر غيرك قال لما  
رايت معالي الامور مشفوعه بالتالف اقتصرت على الخمول ظنا مني  
بالعافية (ص ۵۱)

بعضی از دانشمندان گفته شده که اگر راه افتادی و خود را از خلوت بیرون کشیدی، پس یادآوری کن. کما اینکه دیگران غیرت را یادآوری کردند. گفت: من خلوت گزینی را انتخاب کردم، زیرا دیدم امور مهمه به سبب یک الفتی که با انسان دارند دوستانی دارد و به این خاطر امور مهمه را به گوشه نشینی و تنهایی کوتاه نمودم. با این گمان که عافیت در خلوت گزینی است.

**ترجمه:** به یکی از دانشمندان گفتند اگر از عزلت درآیی، چون دیگران پراوازه شوی؟ گفت: رسیدن به مقام های بزرگ، با همنشینی مردم همراه است. خلوت گزیدم و به گمانم عافیت در خلوت گزینی است.

**توضیح مترجم:** معنای ذکر و باب تفعل تذکرا به مفهوم یادآوری فهمیده است.

۱۵. متن کتاب قال أمير قوله المؤمنین (ع) وذلك زمان لا يسلم إلا  
كل مؤمن نومه ان شهد لم يعرف وان غاب لم يفتقد أولئك مصاييح

هیچ بنده نیست که برای خدا به نوعی سجده کند و خداوند به خاطر آن سجده برای او حسنه‌ای ننویسد و گناهی از او محو و نابود نسازد و رتبه و شأن او را بالا نبرد و او را به شکلی بار ندهد.

مترجم عبارت «اقبل الله علیه بوجهه» را چنین برگردانده: «او را به شکلی بار ندهد».

۲۲. یا ابا ذر لوان أحدا منهم اشتبهی شهوة من شهوات فیصبر ولا یطلبها کان له من الاجر یذکر أهله یتغم ویتنفس کتب الله له بكل نفس الفی الف حسنه ومحا عنه الفی الف سیئه ورفع له الفی الف درجه و... (ص ۶۶)

حضرت فرمودند: ای ابوذر اگر یکی از آنان میل شهوی به یکی از شهوت‌های دنیایی پیدا کند، پس چون صبر کرده و آن را طلب نکنند، اجر و ثوابش به اندازه کسی است که تصمیم به همبستری به اهل خود بگیرد. سپس زیر لب بخندد و یک نفسی بکشد. برای هرنفشی خداوند هزاران حسنه می‌نویسد و از او هزاران هزار گناه را محو و نابود می‌کند و هزاران هزار درجه او را بالا می‌برد.

ترجمه: هرکس از آنان [خلوت‌گزینان] به خواسته‌ای از خواسته‌های دنیا توجه کند و برای خدا شکیبایی ورزد و به سوی آن نرود، برای او اجر و پاداش است. هر یک از آنان [خلوت‌گزینان] از خانواده اش یاد کند و غمگین شود و آهی کشد، خداوند به هرنفشی هزاران هزار اجر و پاداش به دهد به و هزاران هزار گناه او را بزاید و هزاران هزار درجه به عطا کند.

توضیح: نویسنده هنگام خواندن، عبارات و جمله‌ها را از یکدیگر تشخیص نداده است. چگونه این متن را می‌توان فهمید؟ اجر و ثواب کسی که «تصمیم به همبستری به اهل خود بگیرد. سپس زیر لب بخندد و یک نفسی بکشد»، زبردستی مترجم در ترجمه «یتغم» به دست می‌آید که آن را متضاد «بخندد» و عبارت «بذکر اهله» را «همبستری با خانواده» ترجمه کرده است.

۲۳. متن کتاب: ولعبدی ولیتی فی جنتی ما یتمتی (ص ۶۸)

برای بنده و دوست من در بهشت هر آنچه بخواهد فراهم است.

توضیح: مترجم مای موصوله را نافی‌ه تصور کرده و متن چنین از آب درآمده است: این بنده من در بهشت من هیچ آرزویی ندارد.

۲۴. متن کتاب: من عرف الله منع فاه کمن الکلام و بطنه من الطعام و عفا عنی نفسه بالصیام و الخیام، قالوا بابائنا و أمهاتنا یا رسول الله هؤلاء أولیاء الله؟

قال إن أولیاء الله سکتوا (ص ۷۰)

رسول خدا فرمودند: کسی که خدا را شناخت، لبها را از کلام می‌بندد و از خوردن، شکمش را مهار می‌کند و نفس خود را با روزه و نماز شب

دهند، سوگندشان همچون چاقو برنده و کارساز است

ترجمه: حضرت فرمودند: هر ژولیده موی غبار آلود کهن جامه که به او اعتنا نمی‌شود و اگر به خداوند سوگند یاد کند، سوگند او راستین است.

توضیح: مترجم خلوت‌گزین را چنان زیر غبار برده که او را نمی‌توان شناخت. روشن نیست چاقوی برنده و کارساز از کجای متن برآمده است.

۱۸. متن کتاب: الرابع عشرانها آية الرضوان والامن من الله عزوجل محمد بن علی عن موسی بن سعدان عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال لا يزال المؤمن راغباً الدنيا ونعيم أهلها حتى یمن الله علیه فإذا من علیه كانت الدنيا وأهلها حقیره عنده كالجيفة یعافها یراها (ص ۵۴)

چهاردهم: خلوت‌گزینی یکی از نشانه‌های بهشت و نیز منت از جانب خداوند است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هیچ‌گاه مؤمن رغبت در دنیا و گرایش به نعمت‌های اهل دنیا را ندارد، تا اینکه خداوند بر او منت بگذارد. پس وقتی منت گذاشت، دنیا و واهلش در نزد او کوچک شمرده می‌شود؛ مثل یک مردار و لاشی که همه از آن فرار کرده و نمی‌خواهند آن را ببینند

ترجمه: مؤمن همواره در پی دنیا و نعمت‌های آن است تا اینکه خداوند بر او منت گذاشته و دنیا و اهل آن را در نظرش بی‌ارزش می‌نمایاند؛ همانند مرداری بدبو که هنگام دیدن از آن گریزانند.

۱۹. متن کتاب: قال أبوالله (ع) من أحب ان یذکر خمل ومن أحب یخمل ذکر (ص ۵۵)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هرکس دوست دارد نامش پرآوازه شود، خلوت‌گزینی کند و هرکس دوست دارد خلوت‌گزیند، ذکر بگوید. ترجمه: هرکس دوست دارد نامش بلندآوازه گردد، گمنام خواهد شد و هرکه دوست دارد گمنام شود، بلندآوازه خواهد شد.

۲۰. متن کتاب: لیس شیء أطیب عند الله من ریح فم صائم ترک الطعام و الشراب لله رب العالمین و آثار الله علی ما سواه و ابتاع آخرته بدنیه (ص ۵۷)

هیچ نسیمی خوش‌تر از نسیم دهان روزه‌دار در نزد خدا نیست و خداوند بر غیر آن خط کشیده و آخرتش را به دنیایش معامله کرده است.

ترجمه: هیچ عطری خوش‌بو تر از بوی دهان روزه‌داری نیست که برای خدا از غذا و نوشیدنی پرهیز کرده و خداوند را بر دیگران و آخرتش را بر دنیایش برگزیده است.

۲۱. متن کتاب: ما من عبد سجد لله سجده إلا کتب له بها حسنه ومحا عنه سیئه ورفع له بها درجه و اقبل الله علیه بوجهه وباهی به ملائکته (ص ۵۷)

کنترل می‌کند. گفتند: آیا پدران و مادران ما اولیای خداوندی هستند؟ فرمودند: اولیای خداوندی ساکتند. پس سکوتشان ذکر و یاد خداست.

**توضیح:** مترجم بآء تفدیه را تشخیص نداده و جمله (پدران و مادران ما فدای تو یا رسول الله) را

«گفتند: آیا پدران و مادران ما آنان اولیای خداوندی هستند؟» ترجمه کرده است.

۲۵. متن کتاب: أولئك الذين إذا أردت ان أهلك أهل الأرض عقوبة زويتها عنهم من أجل أولئك الأبطال

آنان قهرمان حقیقی‌اند. آنان کسانی هستند که هرگاه اراده کنم که اهل زمین را عقوبت کنم، به خاطر اینان، مرگ از آنان برگردانده می‌شود.

**توضیح:** در این عبارت کلمه أجل به معنی (به خاطر) را به أجل به فتح حاء و به مفهوم (مرگ) فهمیده است.

۲۶. متن: قال عيسى (ع) بؤسا لأزواجك الباقين كيف لا يعتبرون بأزواجك الماضين كيف اهلكتهم واحدا واحدا ولا يكونون منك على حذر

یا طالب دنیا یغرک وجهها ولتندمن إذا رایت قفاها

مصتف گوید ای دنیا طلب چهره ظاهری دنیا تو را گول می‌زند، اما پس از آنکه رویش را دیدی پشیمان می‌شوی.

**ترجمه:** ای دنیا خواهی که صورت ظاهری دنیا تو را فریب داده، اگر پشت سرش را می‌دید و پشت کردنش را در می‌یافتی، پشیمان می‌شدی که چرا به آن روی آوردی.

**توضیح:** مترجم از جانب خود افزوده است (مصنف گوید) و تفاوت وجه و قفا را چنین شناسانده (چهره ظاهری - روی).

۲۷. متن: فإذا هي أدبرت كانت أحسن شيء رأها وإذا هي أقبلت كانت أقبح شيء رأها الناس... قال: قلت أعوذ بالله منك. قالت: لا والله يعيدك متى حتى تبغض الدرهم.

اما وقتی صورتش را برمی‌گرداند، او بهترین چیز و وقتی وارد جاده می‌شد و مردم او را می‌دیدند زشت ترین افراد بود، گفتم از توبه خدا پناه می‌برم. او گفت نه به خدا قسم، خداوند از من به تو پناه می‌برد تا زمانی که از پول و درهم بدت بیاید.

**توضیح:** مترجم چگونه «أقبلت» را که به معنی روی نمودن است، با «ادبرت» به معنی روی گرداندن اشتباه ترجمه کرده و عبارت «وقتی وارد جاده می‌شد» را از متن بازجسته است. همچنین عبارت بی معنی

«خداوند به تو پناه می‌برد» را در متن گنجانده است؟

۲۸. متن کتاب: یا موسی... فاخرج منها همك وفارقها بعقلك فليست الدار هي إلا للعامل فيها فنعمت الدار هي يا موسى اني مرصد للظالم آخذ للمظلوم منه (ص ۷۸)

متن ترجمه: ای موسی... پس هم خود را از دنیا خارج کن و هم با عقل و اندیشه‌ات از آن جدا شو. زیرا این خانه خانه نیست. مگر برای کسی که اهل عمل باشد که این صورت برای او خانه خوبی است.

**توضیح:** مترجم کلمه هم عربی را به هم فارسی ترجمه کرده است. «هم خود را از دنیا خارج کن». عبارت خارج شدن از دنیا با عقل و اندیشه چگونه است؟

۲۹. متن کتاب: وقال (ص) ليحيئن أرقام يوم القيامة واعمالهم كجبال تهامة فيؤمر بهم إلى النار قالوا يا رسول الله مصلين نعم كانوا يصلون ويصومون (ص ۷۸-۷۹)

اقوامی در روز قیامت می‌آیند که کارهایشان مثل کوه‌های که هیزم هستند می‌باشند. پس به آنان امر می‌شود که: بسوی آتش بروید. می‌گویند ای رسول خدا، از نمازگزارانند؟ فرمودند: بله آنان کسانی هستند که نماز می‌گزارند و روزه می‌گیرند و آنان گیرندگان حق هستند و آنان از شبند. پس وقتی بر آنان از دنیا چیزی عرضه شود برمی‌گردند.

**توضیح:** چگونه تهامه که نام کوهی در سرزمین حجاز است، به معنی هیزم ترجمه شده و منظور مترجم از «آنان از شبند» هم گویا این است که آنان پاسی از شب را به شب زنده داری می‌گذارند.

۳۰. متن کتاب: وليكن هذا آخر تعلقه في هذه الأوراق ونسال الله تعالى ان ينفعنا بما أمليناه ويجعلنا من أهل الوصف بما ذكرناه انه أحق مدعو وأمل مرجو... (ص ۸۱)

اما آخرین وابستگی نویسنده در این اوراق است. «یعنی هیچ بهره‌ای از این دنیای بی وفا نبرده، جز این چند سطر که در مذمت آن نگاشته‌ام». که خداوند بهترین مهمان‌پذیر و برآورنده آرزوهاست.

ترجمه: این آخرین مطلبی است که در این اوراق می‌نویسیم. از خداوند می‌خواهیم به آنچه گفتیم ما را بهره‌مند سازد و ما را اهل آنان که وصف آنها را گفتیم، قرار دهد که خداوند بهترین کسی است که او را نپایش کنند و به او امیدوار باشند.

**توضیح:** نویسنده تعلیقه بر کتاب را به مفهوم تعلق به دنیا فهمیده و همین گونه دعوت به معنی دعا را به معنی دعوت مهمانی فهمیده است.